نقد هنری ( جلسه 11 )

بتی”،  دختری که روی از ما و دوربین برگردانده، نقاشی رنگ‌روغنی اثر گرهارد ریشتر به سال ۱۹۸۸ است، بازنمایی عکسی که ۱۰ سال قبل از دخترش گرفته بود(تصویر۱). اثری در سری نقاشی­های برگرفته ­اش از آلبوم خانوادگی­ که در سه نگاه متفاوت و در سال­های مختلف به تصویر درآمده است. ریشتر نقاشی است که به تکنیک ثابتی در نقاشی قائل نیست؛ گاه آثاری هایپررئالیستی و گاه آبستره­ محض خلق می­کند. اما آنچه در آثار او نقش کلیدی ایفا می­کند شاید همین آزادی درحرکت از واقع‌گرایی به انتزاع، واقعیت به تخیل و بالعکس ­باشد، همان‌طور که خود می­ گوید: “آنچه در هر تصویر برایش تلاش می­ کنم چیزی نیست جز کنار هم آوردن متفاوت­ترین و متضادترین عناصر، به شیوه­ای جاودانه و ماندنی در سترگ­ترین آزادی ممکن”.۱ بتی شاید یکی از آن آثاری است که نه‌تنها در خود بلکه با بازنمایی­ اش به شیوه­های مختلف بر این حرکت آزاد تأکید دارد. دختر با موهای طلایی و لباس قرمز، با تکنیکی هایپر رئالیستی، نگاه ما را به سویی می­ کشاند که چیزی جز انتزاع نیست. تصویر واقع‌گرایانه‌ای که با محو شدن بخش‌هایی از بدن و سر به‌سوی انتزاع یا خیال گریز می­ زند: “چیزها را محو می­ کنم تا هر چیزی را به‌طور مساوی مهم و درعین‌حال بی­ اهمیت جلوه دهم”۲. اما این تنها نقاشی از بتی نیست؛ نقاشی اول در سال ۱۹۷۷ با همان تکنیک هایپررئالیستی اما با چهره­ای خیره به دوربین کشیده شده است(تصویر۲)، نقاشی دوم نیز در همان سال بتی را با همان نگاه رو به مخاطب و دوربین اما به‌صورت محو تصویر می­کند(تصویر۳). شاید ریشتر عمداً این سه نقاشی را در پی هم کشیده باشد، درحالی‌که این سه نقاشی از یک سوژه، در کنار هم، گویای همان حرکت رفت و برگشتی و درعین‌حال آزاد از واقع‌گرایی به‌سوی انتزاع است.

 با نگاه به اثر سوم این سؤال به ذهن خطور می ­کند که دختر با چهره­ای پنهان از ما، به کجا می ­نگرد؟ آنکه این دختر کیست شاید کمتر از این مورد اهمیت باشد که به کجا می­ نگرد؛ بتی از دوربینی روی گردانده که واقعیت را ثبت می ­کند یا دست‌کم بخشی از آن­ را (در فرآیندی که با حذف تمام واقعیت، خود منجر به انتزاع  می­ شود) و چشم ما را به نقطه­ ای هدایت می­کند که چیزی جز نقاشی انتزاعی پدرش متعلق به دهه ۷۰ نیست.  شاید این لت آخر شک ریشتر را نسبت به واقعیت و انتزاع برطرف کرده باشد، شاید او سرانجام این نزاع را در پیروزی انتزاع بر واقعیت می­ بیند و شاید هم نقاش در آرزوی کنار هم آوردن دو عنصر متضاد به شیوه­ای جاودانه و ماندنی و در سترگ‌ترین آزادی ممکن به موفقیت دست‌یافته باشد. اما آنچه  در “بتی” سوم جالب‌توجه است ارتباطی است که با دو اثر پیش از خود دارد؛ توالی پایان‌ناپذیر واقع‌گرایی و انتزاع که از کنار هم گذاشتن سه اثر در کنار هم مشهود است: نگاه واقع‌گرایانه در اثر بعدی رو به انتزاع می ­رود و در اثر بعدازآن دوباره واقعیتی ترسیم می­شود که انگشت اشاره­اش به‌سوی انتزاع است. چرخشی بی­ پایان که خود سیر دواری را در مسیر کاری ریشتر طی می­ کند. شاید بتوان بتی را نمایانگر مجموع تجربه­ های ریشتر در یک اثر معرفی کرد؛ اثری که در واقع‌گرایی‌اش ردی از زایش انتزاع دیده­ می­ شود و این کشمکش چون تصاویر فرکتال دائم در خود تکرار می­ شود.  بتی دختری است که هیچ‌گاه چهره­­اش را نخواهیم دید اما به‌واسطه‌ی نگاه همسویش با نگاه مخاطبی که به اثر می­ نگرد آن چیزی را می­ بینیم که نقاش برایمان از پیش تعیین کرده است.

http://www.theartstory.org/artist-richter-gerhard.htm-1-

http://www.artnet.com/artists/gerhard-richter-2-

  گرهارد ریشتر، بتی ،1 سال ،1988 رنگ و روغن روی بوم 102 در73 گرهارد ریشتر، بتی 2، 1977، رنگ و روغن روی بوم 40 در 30

 گرهارد ریشتر ، بتی 3، 1977، رنگ و روغن روی بوم، 40 در 50

 نقد بالا اثری از گرهارد ریشتر را خواندید که البته نثد هرمونوتیکی بود که برایتان البته تازگی داشته است.